

تولد بلوز



ستهایی
موسیقایی آفریقایی
تا چه پایه در
راک، جاز و بلوز،
که ردشان را می‌توان
در تجارت برده جست،
ابقا شده‌اند؟



شهره‌پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نویسنده اتین بور و آلبرتو نوگوترا



در ۱۹۵۹، الویس پریسلی نخستین صفحه خود را ضبط کرد. در یک طرف صفحه «چشم، سامان» انر بیگ بسوی کسر اداب سیاهپوست، از خوانندگان بلوز و پمپ راک اندرول را خواننده بود، و در روی دیگر «ماه آبی کتناکی» اثر پندر موسیقی روستایی کتناکی یعنی بیل موروی سفیدپوست آمده بود. این نقطه عطفی بود برای آنکه موسیقی سیاه با کلیجیگری به موسیقی سفید و موسیقی سفید به موسیقی سیاه تبدیل شود. پریسلی در مکان و زمان مناسب و درستی ظهور کرد. تنها کاری که لازم بود بکند چیدن میوه رسیده از شاخه‌های فراوان درختی بود که ریشه‌های آن از قرن‌ها پیش از سرزمینهای دور تغذیه شده بود.

اگر تجارت فضااحت-بار «جوب آبتوس» نبود، بسیاری از انواع موسیقی که از آن پس بخشی از فرهنگ ما شده‌اند نیز نبودند. انواعی چون راک، بلوز، جاز، سول، ریتم اند بلوز، و موسیقی روحانی، راک، کالیسو و سرنگو از کراتیبه، سامبا و کاپوراوا از برزیل، امروز موسیقیانهای که در پی ریشه‌ها و منابع جدید الهام هستند فرمهای موجود را از موسیقی بیونوی می‌آفرینند.

از آفریقا به آمریکا

آفریقا تا کی بخشی از آن میراث موسیقی که برندگان با خود به آمریکا آوردند باقی ماند. آیا هنوز هم الهامبخش این موسیقی که امروز سی‌ششم هست؟ بسیاری از نویسندگان به آفریقا بازگشته‌اند و کوشیده‌اند به این پرسشها پاسخ گویند. آنها کوشیده‌اند ریشه‌های بلوز و جاز را کشف کنند، پیده از روی گستره غازی‌العادة موجود در زیر پوشش این موسیقی بردارند و همواره بر پیوندهای احتمالی و نیز شکافهای اجتناب‌ناپذیر میان سنتهای آفریقایی و موسیقی آفریقا - آمریکایی تأکید کنند. موسیقی در هر دو سوی اتلانتیک زبان خاص سازهای مختلف را تکامل بخشیده است. همان طور که نویسنده گسویا آله جسو کارتیتر در ۱۹۷۷ نوشته است، «آنچه سی شومیم با آنچه در آفریقا است هیچ مشابهتی ندارد».

این فرمهای تازه موسیقی را سیاهپوستان خلق کرده و تکامل بخشیده‌اند، ولی یونگرتنی خاطر آن آفریقایی را بسته به اینکه جماعات سیاهپوست در کجا مستقر شده‌اند و شرایط اجتماعی موجود آنجا چه بوده، به درجات مختلف کمرنگ کرده است. به گفته اولاده اکوتیان، برده آیبو که در ۱۷۵۶ به ویرجینیا آورده شد ممکن است ما را مردمی زرقاص، موسیقیدان و شاعر بداند، چون وقایع مهمی از قبیل بازگشت پیرروزمندان از جنگ یا هر نوع مناسبت دیگری را برای شادمانی همگانی با رقصیدن به همراه ساز و آواز مناسب جشن می‌گیریم» ولی همیشه این

جشنها از طرف دیگران تحمل نمی‌شد. بر طبق قانون، بردگان سیاهپوست آمریکایی لاسین در اجتماعات نسبتاً استعماری زندگی می‌کردند و می‌توانستند برخی از رسوم قبیله‌ای و نیز مساک و مراسم قبیله‌ای را حفظ کنند. کاتولیسیم باعث شد که انجام مراسم مذهبی آفریقایی در باقی که اغلب به عقاید مختلف اجازه همزیستی می‌داد تا حدی با آزادی همراه باشد. در نتیجه، موسیقی آئینی در کشورهایی چون برزیل، هائیتی و کوبا، که هنوز بسیاری از آئینهای دینی آفریقایی انجام می‌شود باقی ماند.

برعکس، بردگانی که از طریق کارآئین به آمریکا برده شدند، به علت اینکه ناچار بودند در برشوره کاملاً نزدیک با اربابان سفیدپوست خود زندگی کنند، سرخشی از جنبه‌های فرهنگ آفریقایی خود را تعدیل کردند یا کاملاً از دست دادند. تمام عقاید آبا و اجدادی و ابزارهای بیان آنها از همان آغاز حالت تقیه پیدا کرد. نویسنده ناشی از اسارت باعث شد که به آئینهای دینی خود توسل جویند، با اینهمه مجبور بودند آنها را در خفا انجام دهند. برخی از این آئینها باقی ماندند و به گونه‌ای مبهم پرستانه با مذهب پروتستان سفیدها در آمیخته و برخورد با امواج بردگان سیاهپوستی که از هائیتی، مارتینیک و گوادلوپ وارد می‌شد به آنها امکان حیات تازه‌ای بخشید. گرچه برخی از عقاید در لغاف نژادگرایی یا آوازهای پرشور روحانی بیان می‌شدند برخی از خدایان آفریقایی را در سلاطین در احضار شاخه‌های قسری میسیسیپی پرستی می‌کردند - مانند آیین دینی اولو، که در ایالات متحده جنوبی به هودو معروف است.

ولی موسیقی غیرروحانی، در محیطی جدید ناچار بود مکمل کارکردهای جدیدی باشد که دشمن سنتهای آفریقایی بود. تنها چیزهایی که باقی ماندند ترانه‌ها و رقصهایی بودند که با ساخت اقتصادی و اجتماعی دنیای جدید همخوانی داشتند. مساند ترانه‌هایی که به هنگام کار خوانده می‌شدند (لایترانه‌های سر مزه‌ده)، که زاده صدا کردن به شیوه آفریقایی و پاسخ دادن به صورت آهنگین بود و به بردگان اجازه می‌داد کارشان را بسا سرعت منظم ادامه دهند و شقای میانش را از خود دور نگه دارند.

پروستر آمریکایی مربوط به اواخر قرن ۱۹ که نمایش موسیکال خوانندگان سیاه و سفید را تبلیغ می‌کند

هر انسان غربی

که می‌تواند

نادانسته در برابر

قویحه آفریقایی

سر تعظیم

فرود می‌آورد.

عبدالهادی بروید

جنگ جهانی

و جنگ جهانی دیگر به پیام برسوزنی.

۱. سیاهان در آمریکا لاین: نشر آفریقا در هنر و زندگی قاره‌ای دیگر به پیام برسوزنی، شهریور ۱۳۵۶.

۲. یادآور: سکوت‌بردهای سلوانا با کربواری فریاد سلوانو وینسنت وینسنت ۱۹۳۰. حسین رنگ نشاء آریستوت ۱۳۶۶ پیام برسوزنی: مطبوعات جهانگردی، سوریه.



در ۱۹۰۰ از هر ده نفر سیاهپوست هنوز هشت نفر در روستا زندگی می‌کردند. در ۱۹۳۰ نیمی از آنها در شهرها و شهرکهای صنعتی می‌زیستند. این خروج از روستا باعث زایش فرمهای بیان موسیقایی دیگری نظیر بلوز شهری، ریتم اند بلوز و موسیقی سول شد. فرمهای موسیقایی تجاری و سرمایه‌ی نسبی ظهور کردند. موسیقی سیاهان رفته رفته مشمول قوانین بازار شد. آیا این تحولات به اشکال موق اختلاط فرهنگی انجامید یا به اشکال صنعتی و فزاینده؟ در واقع، این آخرین مرحله سفسری دراز بود، که در طول آن موسیقی هر چه بیشتر و بیشتر از کارکردهای نخستین خود بالیده بود شاید چنان به طور کامل مختلط شده بود که دیگر همه از آن لذت می‌بردند.

در عین حال بسیاری از موسیقیدانها از سازگسار کردن هنرشان با بازار امتناع کردند. برای دریافتن این موضوع، کافی است به آثار جوزف امپنس گوش کنیم. وی گیتاریست برجسته‌ای از یاهاماسات که موسیقی اش در برابر استعمار تجاری و محدودیت‌های شبیه در استودیو مقاومت می‌گند کاروی پک تلفیق فرهنگی اصیل و آمیزش سنت‌های گوناگونی است که تدریجاً به هم پیوند خورده‌اند و بیشتر بیانهای موسیقایی وی رنگ موسیقی سیاهپوستان را دارد. مرجه نیر: توکل



پال، موسیقیدان برزیلی، نور حال نواختن بریسیا، از سازهایی که در موسیقی کاننومیه به کار می‌رود و در ایالت باهیا محبوبیت دارد. پال، سمثا جیب، نوازنده ترومپت، خواننده و رهبر ارکستر آمریکایی، لویس آرمسترانگ در ۱۹۵۸. پالی صفحه، خواننده جاز آمریکایی، آلا فیتزجرالد.

آنتین بود روزنامه‌نگار بزرگی است که در موسیقی تخصص دارد. بود در برنامه‌های رادیویی بسیاری در باره موسیقی سنتی شرکت جسته است و هم اکنون با مدیاک انجمن فرانسویان در بلژیک کار می‌کند. آلبرتو نوگوترا روزنامه‌نگار برتالی، مشاور موسیقی مدیاک انجمن فرانسویان در بلژیک است.

بردگان می‌توانستند از استعدادهای خود برای سرگرم کردن اربابانشان نیز استفاده کنند. بسیاری از آنها ویولون، فلوت یا طبل می‌نواختند. صاحبان بردگان فراری اغلب از روی توصیفی که به عنوان خواننده یا نوازنده ماهر ویولون از آنها می‌شدند آنها را پیدا می‌کردند. آنها سازهایشان را از همان مصالحی که در دسترستان بود درست می‌کردند و جالب توجه است که اشکال جدیدی از عود اختراع کردند که بعدها به صورت بانجو تکبیل شد. این ساز که واقعاً با موسیقی سیاه مترادف شده، اختراع شرکت در نمایشهای موسیقی سیاهپوستان را که سر آغاز آن در اوایل قرن نوزدهم بود پیدا کرد. این نمایشها که در آنها مردان سفیدپوست با چهره‌های سیاه کرده به اجرای موسیقی می‌پرداختند زندگی و فرهنگ سیاهپوستان را هزل می‌کرد. عجیب اینجاست که سرانجام موسیقیدانهای سیاهپوست هم برخی از این آهنگها را به روایت خودشان اجرا کردند و حتی به میل خود در برخی از این نمایشها ظاهر شدند.

موسیقیدانهای

سر سازگاری با بازار ندارند

برخورد میان بالادها و رقصهای انگلیسی و ایرلندی، سازهای اروپایی، ترانه‌های کبار، فریادهای پیرده و اربساب، سرودهای روحانی و مرایی، باعث ظهور بلوز شد. که در اصل موسیقی سیاهان است، ولی اکنون موسیقی سیاهپوستان امریکاست. بلوز که از اعماق جنوب آمده است، در تاریخ آمیزش وسیع فرهنگی امریکای شمالی نقش تعیین کننده دارد. پس از تولد بلوز، موسیقی سیاهپوستان، در کنار آنچه می‌شد به عنوان فرآورده‌های موج دوم اختلاط فرهنگی توصیف کرد. ضبط شد. در اولین صفحه پرکنی‌ها، هنر خوانندگان روستایی بلوز به صورت خدام و موق بروز یافته بود، ولی دیگر هرگز آن را به همان صورت نگواهم شد.